

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری:

چالش میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

دکتر محمود باقری* - سیمین عباسی**

چکیده: مجوزهای اجباری یکی از روش‌های تعامل میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری هستند. این مجوزها بدون رضایت دارنده حقوق مالکیت فکری صادر می‌شوند و معمولاً در تمامی نظام‌های حقوقی که حقوق مالکیت فکری در آنها اعمال می‌شود به کار می‌روند تا از سوء استفاده دارندگان این گونه حقوق جلوگیری شود. تفاوت اساسی بین نظام‌های حقوقی، در قلمرو و محدوده اجرای این گونه مجوزهاست. کشورهای در حال توسعه، مجوزهای اجباری را به نحو وسیع در راستای اهداف بهداشتی و تجاری استفاده می‌کنند ولی کشورهای توسعه یافته از این مجوزها به صورت محدود و با شرایط خاص استفاده می‌کنند. در حقیقت هر کدام از این گروه‌ها بر اساس منافع و اقتصاد خود در خصوص مجوز اجباری تصمیم می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته، مجوز اجباری، حقوق مالکیت فکری، شرکت‌های داروسازی، بهداشت عمومی

مقدمه

امروزه کسی در بهره‌مندی از مجوز اجباری شک ندارد ولی مسأله اصلی، قلمروی اعمال

* دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران mahbagheri@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران

این اختیار است. دلایل سیاست‌گذاری مهمی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد که در اعطا و قلمروی مجوزهای اجباری دقت لازم را بنمایند.

در کشور چین، مقامات این کشور ممکن است از مجوزهای اجباری صرفاً در جهت حفظ منافع ملی و یا تعدیل قدرت صاحبان مالکیت فکری استفاده کنند. اما چین با چالش دیگری نیز روبه‌رو است و آن ایجاد ابداعات و تشویق آن در سطح ملی است تا بتواند رشد اقتصادی خود را ادامه دهد و مزایای رقابت بین‌المللی خود را افزایش دهد. چین به سازمان تجارت جهانی پیوسته است و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش کیفیت محصولات خود دارد، بنابراین باید در اعطای وسیع مجوز اجباری محتاط باشد.

هنوز ابهاماتی قانونی و اجرایی در حوزه مالکیت فکری و رقابت در قانون چین وجود دارد و لازم است که تغییراتی در آن داده شود ولی نکته‌ای که مورد توجه خاص قانونگذاران قرار دارد این است که نباید از مجوزهای اجباری به نحو وسیع استفاده کرد و به این وسیله حقوق مالکیت فکری را ضعیف ساخت.

دولت تایلند نیز در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ برای شش داروی اساسی، مجوز اجباری صادر کرد. مقامات تایلندی معتقدند تلاش برای فشار در خصوص مذاکرات اولیه، تنها دستیابی به داروهای اساسی دارای حق اختراع را به تأخیر می‌اندازد و زندگی‌های بسیاری را در معرض تهدید و حتی مرگ قرار می‌دهد و مجوز اجباری حق دولت‌هاست و سهم تایلند در استفاده از مجوزهای اجباری آن‌قدر ناچیز است که حق اختراع را تهدید نمی‌کند.

برخی معتقدند تجربه تایلند نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها از مفاد تریپس سوء استفاده می‌کنند، ولی برخی دیگر، تایلند را دچار ضرورت‌های بهداشتی و مستحق این کار می‌دانند و تأکید می‌کنند که ترس ضعیف شدن مالکیت فکری در بازارهای مهم - که بدون توجه به هزینه‌های انسانی و ویژگی‌های خاص هر مورد بیان می‌شود - سوء استفاده‌ای است که قدرت برتر آمریکا این اجازه را می‌دهد. وضعیت تایلند مشابه هند، برزیل و سایر کشورهای در حال توسعه است و همچنان نظرات موافق و مخالف در خصوص نحوه رفتار آنان مطرح می‌شود.

در کشورهای توسعه یافته نیز از مجوز اجباری استفاده می‌شود ولی رفتار آن‌ها کاملاً با رفتار کشورهای در حال توسعه متفاوت است و شرایط و محدودیت‌های خاص برای اعطای این‌گونه مجوزها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویه قضایی در اروپا، شواهدی استثنایی از به کارگیری مجوزهای اجباری را نشان می‌دهد که معمولاً محدود به مواردی است که شرکتی با قدرت برتر، دستیابی به مالکیت

فکری را از آن خود کرده است و یا آن را به گونه‌ای محدود نموده است که رقبا در آن محدوده بازاری، توان رقابت با او را ندارند و رد مجوز منجر به سوء استفاده از قدرت برتر شود. از پرونده‌های مهم ضد انحصار در اروپا می‌توان پرونده رقابت مایکروسافت در اروپا، پرونده ولوو با اریک ونگ، پرونده مگیل وای ام اس هلث در برابر ان دی اس هلث را نام برد.

دولت ایالات متحد آمریکا نیز مجوزهای اجباری را با الحاق به کنوانسیون پاریس و تریپس برای کشورهای دیگر پذیرفته است، و خود نیز در مواردی از آن استفاده کرده است. مجوزهای اجباری در آمریکا از ابزارهای جبرانی در پرونده‌های رفتارهای ضد رقابتی هستند. این مجوزها قدرت بالقوه جبرانی در تمامی حالت‌های ضد رقابتی، از حالت ادغام گرفته تا خودداری از معامله را برخوردارند. ولی این دولت نیز مانند دولت‌های اروپایی به سمت کاهش قلمروی مجوز اجباری گرایش پیدا کرده است و در پرونده دوسون این موضوع رسماً اعلام شد.

مقاله حاضر از دو گفتار تشکیل شده است: در گفتار اول، اعمال مجوز اجباری در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند چین، هند، تایلند و برزیل و در گفتار دوم کاربرد آن در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و ایالات متحد آمریکا بررسی شده است.

گفتار اول:

تجربه کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه، مجوز اجباری را مفهومی برای دستیابی به اهداف تجاری و اقتصادی خود می‌بینند. در این گفتار، رفتار کشورهای در حال توسعه‌ای که بیشتر مورد توجه جهانیان قرار گرفته است بررسی می‌شود.

الف) تجربه چین

به همان نحو که اقتصاد چین به سمت اقتصاد باز و گسترده پیش می‌رود، اختلافات ناشی از نقض مالکیت فکری نیز رو به گسترش است. جبران خسارت‌های نقضی که به شرکت‌ها پرداخت شده است به شدت در حوزه‌های مختلف فناوری افزایش یافته است. این زیان‌های عمده، مقامات چین را برای اهمیت مالکیت فکری هوشیار کرده است. در واقع، اختلافات و مشکلات مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری در این کشور، یک محرک مؤثر برای دولت بود تا حقوق رقابت در خصوص مالکیت فکری را تقویت کند.

چین، برای رشد اقتصادی و حفظ مزایای رقابتی، از یک سو با چالشی سخت میان طرح مجوز اجباری برای جبران ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های رقابتی در جهت حفظ منافع ملی از یک سو، و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش ابداعات از سوی دیگر روبه‌رو است. در چین، حق دارنده مالکیت فکری در امتناع از اعطای مجوز بهره‌برداری در خصوص مجوزهای اجباری، یک اصل است که مورد حمایت قانون مدنی و قانون مالکیت فکری است.^۱

بر طبق ماده ۷۱ قانون مدنی چین، دارنده حقوق مالکیت فکری این اجازه را دارد که به طور قانونی از آن بهره‌برداری کند و از منافعش بهره‌مند شود. اما حقوق مالکیت فکری مطلق نیست و زمانی مورد حمایت قرار می‌گیرد که مورد سوء استفاده دارنده آن قرار نگیرد.

قوانین چینی حاکم بر رابطه میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری به تازگی به وجود آمده‌اند. چین اولین قانون حق اختراع خود را در سال ۱۹۸۴ تصویب کرده است که در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ مورد بازنگری قرار گرفته است، مجوز اجباری در قانون سال ۱۹۸۴ پیش‌بینی شده بود، اما صریحاً ذکر نشده بود که مجوزهای اجباری می‌توانند مانعی برای ضد رقابتی باشند و یا اینکه این کاستی‌ها را جبران کنند. نمود اولیه در قانون حق اختراع چین - که مجوزهای اجباری باید در خصوص مسائل رقابتی مطرح شوند - در مقررات اجرایی سال ۲۰۰۱ در خصوص بازنگری قانون سال ۲۰۰۰ بود.

قبل از اینکه قانون ضد انحصار تصویب شود، مقررات قانونی ضد رفتارهای انحصاری در قوانین و مقررات مختلف پراکنده شده بود. مانند قانون رقابت غیرعادلانه و قانون قیمت، ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به طور مستقیم به مسأله رقابت و مالکیت فکری نمی‌پرداخت.

چین در سال ۲۰۰۷ قانون ضد انحصار را تصویب نمود. در این قانون صریحاً اجرای رقابت در خصوص حقوق مالکیت فکری اعلام شد، ماده ۵۵ این قانون مقرر می‌دارد: در حالی که قانون نباید در رفتار عاملان تجارت دخالت کند تا اینکه بتواند حقوق مالکیت فکری خود را تحت قوانین و مقررات اجرایی مرتبط اعمال کنند، این قانون اجازه نمی‌دهد که عاملان تجارت، رقابت در بازار را از طریق حقوق مالکیت فکری‌شان محدود کنند و یا مانع شوند. بنابراین، اگر مقامات اجرایی احراز کنند که دارندگان مالکیت فکری، قانون را نقض کرده‌اند سوء استفاده ضد رقابتی دارندگان مالکیت فکری می‌تواند منجر به مسؤولیت

1. Xinzhu Zhang, "China's Approach to Compulsory Licensing of Intellectual Property under Its Anti-Monopoly Law", Jiangxi University of Finance and Economics Research Centre for Regulation and Competition Chinese Academy of Social Sciences, 2009 [http://cygz.jxufe.cn/edit/UploadFile/20099314228253.ppt\(chin, Singapore\)](http://cygz.jxufe.cn/edit/UploadFile/20099314228253.ppt(chin, Singapore)).

شود.^۲

ماده ۱۷ قانون ضد انحصار، شرایطی را پیش‌بینی می‌کند که به موجب آن، دارنده مالکیت فکری دارای قدرت مسلط در بازار، ممکن است به دلیل رفتار ضد رقابتی، مسؤول واقع شود. بر طبق بند ۱ ماده ۱۷ قانون ضد انحصار، اگر هزینه مجوزدهی بسیار بالا باشد ممکن است منجر به مسؤولیت شود، چرا که تعیین قیمت بالا تا حد زیادی با امتناع از اعطای مجوز رابطه دارد.

طبق بند ۳ ماده ۷۱ رد یکجانبه اعطای مجوز بدون دلیل توجیهی ممکن است منجر به مسؤولیت شود. بر طبق ماده ۱۵ این قانون چنین رفتاری ممکن است منجر به صدور مجوزهای اجباری شود. ماده ۵۰ قانون ضد انحصار، مسؤولیت مدنی برای نقض حقوق رقابت پیش‌بینی می‌کند. نکته مهم این است که قانون ضد انحصار، اصول کلی قاعده دلیل که حاکم بر ایجاد مسؤولیت تحت این قواعد است را پذیرفته است.

آخرین قانون حق اختراع در سال ۲۰۰۸ تصویب شد که پس از تصویب قانون ضد انحصار صورت گرفت. در حال حاضر ۶ وضعیت وجود دارد که به صدور مجوز اجباری منتهی می‌شود، یکی از آن موارد بر طبق ماده ۴۸ قانون حق اختراع این است که مجوزهای اجباری حقوق مالکیت فکری باید برای جبران رفتارهای ضد رقابتی تحمیل شوند.

در خصوص اجرای قوانین نیز دو مرجع اداره بازرگانی و کمیسیون اصلاح و توسعه ملی و اداره دولتی صنعت و تجارت برای اعطای مجوزهای اجباری صالح باشند و ابهاماتی در صلاحیت‌ها و اجرای تصمیمات آن‌ها پیش می‌آید. در خصوص دادگاه صالح نیز رفتار ضد رقابتی در خصوص حقوق مالکیت فکری، باید توسط شعبه خاص (شعبه سوم دادگاه عالی مردمی) رسیدگی شود. اما سوالات فراوانی در خصوص آیین رسیدگی باقی می‌ماند.^۳

همان‌گونه که ذکر شد قانون مالکیت فکری و قانون ضد انحصار رد مجوزهای خاص را به وسیله مجوزهای اجباری جبران کرده است اما حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری در حال حاضر ابهاماتی در خصوص اجرای مقررات ضد رقابتی در حوزه مالکیت فکری دارند.

نخستن مشکل، عدم معیارهای قانونی روشن است که تحت آن، استفاده از حقوق مالکیت فکری ممکن است رقابت را محدود کند.

2. *Ibid.*

3. *Ibid.*

دوم: هنوز مقررات قانونی صریحی در خصوص مجوزهای اجباری در صنعت نرم‌افزار وجود ندارد.

سوم: تردیدهای فراوانی در خصوص اعمال ماده ۱۷ قانون ضد انحصار نسبت به حقوق مالکیت فکری وجود دارد.

به عنوان مثال بند ۱ ماده ۱۷ مقرر می‌دارد که اگر فروشنده‌ای قیمت بالایی را در نظر بگیرد که ناعادلانه تلقی می‌شود ممکن است مسئولیت ضد رقابتی ایجاد شود. رویه مالکیت فکری نیز چنین است که دارنده این حق نمی‌تواند قیمت انحصاری را پیش‌بینی کند حتی اگر هیچ‌گونه محدودیتی در خصوص رقابت ایجاد نکند و این مسأله نگران‌کننده است چرا که مجوز گیرندگان معمولاً مایل هستند که با ادعای قیمت بالا شکایت کنند. اگر شکایت آنان توسط مجریان رقابتی پذیرفته شود دارندگان مالکیت فکری در معرض زیان قرار می‌گیرند به این دلیل که نمی‌توانند بازگشت سرمایه به نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه خود داشته باشند، این مسأله باعث می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری و توسعه ابداعات از بین برود.

چهارم: هیچ‌کدام از قانون‌های رقابت؛ و مالکیت فکری روشی برای تعیین قیمت‌های مجوزدهی تعیین نکرده‌اند.

مهم‌تر از این مسائل بحث اهداف و سیاست‌های چین در خصوص مجوزهای اجباری می‌باشد. دو نظر در خصوص تعیین سیاست مناسب وجود دارد: برخی معتقدند اصول اساسی اقتصادی پیشنهاد می‌کند که تحمیل مجوزهای اجباری باید همان مسائل کشورهای در حال توسعه باشد یعنی تصمیم باید بین منافع کوتاه مدت و بلندمدت اتخاذ شود.

اغلب حق اختراع‌های اعطا شده به افراد محلی مدل‌های مفید و حق اختراع‌های صنعتی با درجات فنی پایین است در حالی که اغلب حق اختراع‌ها به وسیله شرکت‌های خارجی به دست آمده است که دارای درجه فنی بالایی نیز بوده است، و بنابراین ارزش تجاری بالایی نیز داشته است.^۴

بنابراین از دیدگاه اقتصادی، توزیع حق اختراع‌های صادر شده برای افراد مقیم و غیرمقیم چین بر رابطه جایگزینی برای ایجاد یک سیاست برای استفاده هر چه بیشتر از مجوزهای اجباری تأکید دارد.

فراهم کردن انگیزه از طریق اعطای انحصار در عوض افشای عمومی ابداعات برای شرکت‌ها تا در حوزه تحقیق و توسعه فعالیت کنند تنها اقدام مؤثر در شرایط حال حاضر

چین نیست چرا که فنون دارای ارزش فوق‌العاده در چین، عموماً در خارج خلق شده‌اند بنابراین ممکن نیست هزینه بیشتری در چین برای ابداعات صورت گیرد.

در نظری مخالف، صاحب‌نظران چینی معتقدند استدلال مذکور کوتاه‌نظری است و تمامی مسائل را در بر نمی‌گیرد و با اهداف سیاست‌های دولت که به دنبال کشوری دانش‌محور است تعارض دارد، چرا که سبب حق اختراع اعطا شده در چین، در حال تغییر است به همان نحوی که اقتصاد چین نیز در حال توسعه است، و روند توسعه اقتصادی چین و استراتژی ملی نیز به سمت کشوری ابداع‌محور پیش می‌رود. سهم حق اختراع‌های اعطا شده به ابداعات افراد غیرمقیم چین در آینده کاهش خواهد یافت، این موضوع سبب می‌شود که استدلال مورد توجه کشورهای در حال توسعه مورد چالش قرار گیرد.

علاوه بر مورد بالا، دیدگاه محلی نسبت به حقوق مالکیت فکری ممکن است جذابیت‌های بلندمدت چین را برای سرمایه‌گذاری خارجی کاهش دهد. چرا که حمایت ضعیف‌تر از حقوق مالکیت فکری و تهدید مجوزهای اجباری مسیری را طی خواهد کرد که پایانش کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در بلندمدت و ترک شرکت‌های با فناوری بالا از چین است.

اگر شرکت خارجی با توانایی‌های فناوری بالا پیش‌بینی کند که حقوق مالکیت فکری‌اش ممکن است در چین به عنوان مورد ضروری تلقی و منجر به اعطای مجوزهای اجباری شود روشن است که از ورود به بازار چین خودداری خواهد کرد.

مقررات حقوقی که مجوزهای اجباری را تنظیم می‌کنند نباید تنها تحلیل‌های اقتصادی را در برگیرد بلکه باید در خصوص تخصیص مسائل اجرایی تصمیمات شایسته‌ای اخذ شود.^۵

ب) تجربه تایلند

کشور تایلند از جمله کشورهایی است که با کشورهای توسعه‌یافته مشکلات زیادی در خصوص مجوز اجباری و رقابت داشته است. این کشور در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ برای شش داروی اساسی، مجوز اجباری صادر کرد. وزیر بهداشت این کشور اعلام کرد: تلاش برای مذاکرات اولیه تنها توسعه در دستیابی به داروهای اساسی دارای حق اختراع را به تأخیر می‌اندازد و زندگی‌های بسیاری را در معرض تهدید و حتی مرگ قرار می‌دهد و بر مبنای بند ب ماده ۳۱ موافقتنامه تریپس که صدور مجوز را بدون مذاکرات قبلی اجازه

می‌دهد این حق برای تایلند وجود دارد تا از آن‌ها استفاده کند؛ نتیجه صدور مجوزهای اجباری آن بود که شرکت مرک و دیگر شرکت‌های داروسازی قیمت محصولات خود را کاهش دادند.^۶

وزیر بهداشت این‌گونه توضیح داد که استفاده دولت از حق اختراع در تایلند نه تنها مفید برای مردم تایلند خواهد بود بلکه همچنین برای مردم دنیا نیز مؤثر است. وزیر بهداشت این کشور اضافه کرد که مجوزهای اجباری در تایلند، سیستم جهانی حق اختراع محصولات دارویی را تهدید نمی‌کنند. به این دلایل که:

نخست: تایلند فقط پنج درصد از تقاضاهای جهانی برای محصولات دارویی را در اختیار دارد.

دوم: مجوزهای اجباری در کمتر از پانزده درصد از کل داروهای تحت اختراع امکان صدور دارد، بسیاری از داروها به دلیل پیچیدگی‌های تولیدی به حالت انحصاری خود باقی می‌مانند.

در این خصوص انتقاد بیکر و کنزی^۷ (نمایندگان تجاری امریکا) و پاسخ‌های وزیر بهداشت تایلند قابل توجه است:

بیکر و کنزی اقدام تایلند را داروسازی تجاری دولتی تلقی کردند ولی وزیر بهداشت آن را در راستای اهداف عمومی و غیرتجاری می‌دانست. بیکر و کنزی استدلال کرده‌اند که حق‌الامتیاز پنج درصد به نحوی که ماده ۳۱ بند هـ مشروط کرده است کم می‌باشد و نرخ در مجوزدهی اختیاری در حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد است. ولی وزیر بهداشت آن را قابل تجدیدنظر دانست و متذکر شد که هیچ دلیلی ارائه ندادید که تایلند بر خلاف تریپس و حقوق قانونی خود عمل کرده است.

دکتر مارگارت چان^۸، مدیر عمومی سازمان بهداشت عمومی نیز این نکته را با این بیان تأیید کرد که صدور مجوزهای اجباری حق ویژه برای دولت‌ها محسوب می‌شود و به طور کامل در تریپس پیش‌بینی شده است.

در مارس ۲۰۰۷ آزمایشگاه‌های ابوت^۹ این رفتار تایلند را این‌گونه پاسخ دادند که دیگر داروی جدیدی را در تایلند برای فروش عرضه نخواهد کرد و درخواست ثبت و تأیید برای فروش محصولات جدید خود را در این کشور پس گرفت.

6. C. Gastle & Murdoch Martyn, "TRIPS, Doha, And the Role of Competition Law in Compulsory", 2009. Licensing (trips), Lecture VII, October 27th http://dmn.go.th/vtl_upload_file/1265792528859/Lecture/CompulsoryLicensing

7. Baker & McKenzie

8. Margaret Chan

9. Abbott Laboratories

نظر سین فلین^{۱۰} این است که اعمال «ابوت» در این زمینه مخالف بند ۲۸ قانون رقابت تجاری تایلند است. پروفیسور فلین همچنین این رفتار «ابوت» را مخالف بند ۳ ماده ۲۵ تریپس می‌داند - ممنوع بودن عمل شرکت قدرتمند از تعلیق، کاهش یا محدودیت خدمات، تولید، خرید، توزیع، تحویل، یا واردات بدون توجیه منطقی.

او استدلال کرد که ابوت بر مبنای رویه امریکا قدرتمند است و بازار ممکن است که تنها شامل یک نوع دارو شود که جانشینان مؤثری ندارد و اگر قیمت دارو در حدود ۵ تا ۱۰ درصد افزایش یابد نتوان در برابر قدرت آن‌ها ایستادگی نمود.^{۱۱}

در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ ارتش تایلند نیز ضربات شدیدی به شهرت تایلند در جهت جذب سرمایه خارجی به دلیل نقض حقوق مالکیت فکری کشورهای غربی و شرکت‌های چند ملیتی وارد کرد. تایلند همچنین به تولید داروهای با ارزش اقتصادی به عنوان مثال در درمان کلسترول پرداخت بدون اینکه خطر بهداشت عمومی و یا حفظ سلامت عمومی مطرح باشد.

برخی معتقدند تجربه تایلند نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها از مفاد تریپس سوء استفاده می‌کنند، اما نظر مخالف دیگری در این زمینه وجود دارد که نویسنده‌ای در سازمان ایدز از روش کشورهای توسعه یافته انتقاد کرد و این‌گونه اظهار نظر کرد که کشور امریکا از قدرت فوق‌العاده اقتصادی خود استفاده می‌کند و تایلند را تحت فشار قرار می‌دهد و دستیابی به این محصولات را برایش دشوار می‌سازد در حالی که تایلند دچار ضرورت‌های بهداشتی است.

این نویسنده معتقد است که تخفیف در قیمت دارو به میزان چهار درصد کمتر از قیمت فعلی، این امکان را برای کلیه بیماران و متقاضیان دارو فراهم می‌کند که از دارو بهره‌مند شوند، این مقاله استدلال می‌کند که زندگی‌های زیادی باید حفظ شود و دارنده حق اختراع اگرچه به حق‌الامتیازهای کمتری دست می‌یابد بهتر از این است که هیچ حق‌الامتیازی حاصل نکند وقتی که متقاضیان قدرت خرید ندارند.

نویسنده اشاره می‌کند که بخش داروسازی بخش ویژه‌ای است و تأکید می‌کند که ترس ضعیف شدن مالکیت فکری در بازارهای مهم که بدون توجه به هزینه‌های انسانی و ویژگی‌های خاص هر مورد بیان می‌شود سوء استفاده‌ای است که قدرت برتر امریکا این اجازه را می‌دهد.

این مقاله ادامه می‌دهد: تایلند می‌تواند از مجوزهای اجباری استفاده کند تا به

10. Sean Flynn

11. C. Gastle & Murdoch Martyn, *op. cit.*

شرکت‌های خود اجازه دهد که از تولیدکنندگان، داروهای اساسی را بخرند و دارو را برای استفاده در تایلند بفروشند و حق‌الامتیاز را به دارنده حق اختراع بپردازند که در حدود یک تا ده درصد فروش می‌باشد. ایشان معتقدند که باید حق دارنده مالکیت فکری مورد حمایت قرار بگیرد ولی این موضوع نباید منجر به مرگ افراد در کشورهای فقیر شود.^{۱۲}

ج) تجربه هند

هند نیز از جمله کشورهایی است که از مجوزهای اجباری استفاده می‌کند، صنعت داروهای اساسی در هند با استفاده از داروهای که در کشورهای دیگر ثبت شده‌اند ولی در هند مورد حمایت نیستند، و همچنین مجوزهای اجباری که وارد قانون این کشور شده و این کشور را قادر به تولید این داروها ساخته، شکوفا شده است.

در خصوص مجوزهای اجباری در هند نیز تحلیل‌های متضادی وجود دارد، برخی آن را نوع‌دوستانه می‌دانند و برخی آن را با توجه به صادرات هند نوعی سوء استفاده تجاری محسوب می‌کنند. خود کشور هند نیز دچار سردرگمی شده است و با توجه به اعتراضات شرکت‌های داروسازی بزرگ سعی می‌کند که از مجوزهای اجباری به طور وسیع استفاده نکند و در مورد هر موضوعی با تحلیل و تجزیه تصمیم بگیرد.

یک مقام ارشد معتقد است که تقدس حق اختراع با به کارگیری گسترده مجوزهای اجباری در غیرزمینه‌های حفظ بهداشت عمومی از بین رفته است، تجربه هند نشان می‌دهد که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی باید از گسترش مجوزهای اجباری خودداری کرد.

د) برزیل و وابستگی شگفت‌آور به هند

یکی از جالب‌ترین مجوزهای اجباری در مه ۲۰۰۷ صادر شده است. این مجوز اجباری، اجازه واردات داروی خاص ایدز را در زمانی داد که شرکت دارنده حق اختراع دارو با کاهش ۶۰ درصدی قیمت این دارو مخالفت کرد و اعلام کرده بود که برزیل به عنوان دوازدهمین اقتصاد بزرگ دنیا توانایی بیشتری برای پرداخت نسبت به کشورهای ضعیف‌تر و فقیرتر خواهد داشت.

رئیس‌جمهور برزیل اعلام کرد که شرکت دارنده حق اختراع دارو سعی می‌کرد که همواره مبلغ بیشتری نسبت به تایلند از برزیل دریافت کند.

برزیل با خرید دارو از هند هزینه دارو را از هر روز یک دلار به نصف کاهش داد.

12. Richard J. Hunter et al, "Compulsory Licensing: A Major IP Issue", *International European Journal of Social Sciences*, 2009, Volume II.

دولت برزیل اعلام کرد که ۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ از هزینه دارویی اش کاسته شده است.

یکی از مخالفان نظام سرمایه‌داری معتقد است تفاوت قیمت از لحاظ اخلاقی عجیب و مضحک است و از لحاظ سیاسی نیز نوعی بی‌احترامی شمرده می‌شود که فرد مریض برزیلی از جنس دوم و مستحق مرگ شمرده شود.

شرکت دارنده حق اختراع دارو نظر می‌دهد که مجوزهای اجباری برای شرکت‌های تحقیقاتی دلسرد کننده است و قدرت خطر کردن را از آن‌ها می‌گیرد و این به ضرر کشورهای در حال توسعه است که به این داروها نیاز دارند؛ سخنگوی شرکت دارنده حق اختراع عقیده داشت که هر کشوری بنا بر توسعه یافتگی اش باید قیمت دارو را پردازد، روشی که امکان تولید و دسترسی به چنین داروهایی را امکان‌پذیر خواهد ساخت.

مجله وال استریت^{۱۳} این حرکت دولت برزیل را محکوم کرد و مجوز اجباری را برای مالکیت فکری جهانی مضر دانست و آن را فاجعه‌ای برای کشورهای فقیر محسوب کرد و اظهار عقیده کرد که مجوز اجباری موضوعی است که باید درباره آن نگران بود و این حرکت برزیل سیلی به صورت تمام تنظیماتی بود که سازمان تجارت جهانی در تریپس دنبال می‌کرد. بر اساس این مقاله تولید داروی جدید یک سرمایه‌گذاری خطرپذیر است و شرکت‌های داروسازی اگر پیش‌بینی کنند که تحقیقات آن‌ها دزدیده خواهد شد مایل نخواهند بود که میلیون‌ها دلار برای تحقیق و توسعه به ویژه برای کشورهای فقیر و کمتر توسعه‌یافته هزینه کنند.^{۱۴}

۵) اکوادور

در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹ رئیس‌جمهور اکوادور، رافائل کورئا،^{۱۵} دسترسی به داروهای مهمی که سلامتی مردم اکوادور را تحت تأثیر قرار می‌دهند جزء موضوع منافع عمومی قرار داد، تحت این اعلامیه، در برای رقابت داروهای حیاتی در خصوص داروهای دارای حق اختراع باز شد.

اعلامیه رئیس‌جمهور اکوادور به طور صریح مسأله استفاده از مجوزهای اجباری را مطرح نمی‌کند بلکه مسیری را مشخص می‌کند که دولت اکوادور می‌تواند از این ابزار برای رسیدن به اهداف بهداشت عمومی که خود بر منافع عمومی مانند کاهش قیمت دارو و

13. Wall Street Journal

14. Richard J. Hunter, *op. cit.*

15. Rafael Correa

دسترسی همگان به داروهای مهم مبتنی است استفاده کند. این اعلامیه ادارات اکوادور را قادر می‌سازد تا ملاحظات رقابتی را نسبت به داروهای دارای حق اختراع با قیمت بالا در نظر بگیرند که این اقدامات باعث کاهش قیمت می‌شود و دسترسی اکوادور را به داروها امکان‌پذیر می‌سازد. لازم به ذکر است که این کشور از عدم دسترسی به دارو به علت بالا بودن قیمت رنج می‌برد.^{۱۶}

مشاهدات نشان می‌دهد کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند با استفاده از مجوزهای اجباری قیمت داروهای دارای حق اختراع را پایین بیاورند به ویژه فعالان و انجمن‌های مربوط به بیماری‌های خاص مانند ایدز از دولتمردان خود انتظار دارند که حداکثر سعی خود را برای استفاده از مجوز اجباری به کار برند. به عنوان نمونه، دولت کلمبیا درخواست مجوز اجباری برای داروی گران‌قیمت ایدز را رد کرد. این امر مورد انتقاد شدید انجمن بیماران ایدزی این کشور قرار گرفت.^{۱۷}

گفتار دوم:

کشورهای توسعه یافته

این گفتار حقوق آمریکا و اروپا را نشان می‌دهد که چگونه مجوزهای اجباری، رفتارهای ضد رقابتی دارندگان مالکیت فکری را تعدیل می‌کند و چه شرایطی تعیین کننده قلمرو و محدوده مجوزهای اجباری است.

مجوزهای اجباری به علت مسائل رقابتی توسط دادگاه‌های آمریکایی و اروپایی مجاز شناخته شده است ولی این موارد به صورت استثنایی به کار می‌رود و معمولاً از تحلیل قدرت بازار استفاده می‌شود.

الف) اتحادیه اروپا

سیاست‌های رقابت، تحت ماده ۸۲ معاهده اروپا اعمال می‌شود این ماده مقرراتی را مقرر نموده است که به قدرت در بازار در موارد انحصاری و یا شبه انحصاری پرداخته است و نه تنها قیمت‌های انتفاعی و محدودیت در عرضه را ممنوع می‌کند بلکه بر استفاده از قدرت بازاری نیز نظارت می‌کند تا با ممانعت از دسترسی به بازار و یا با از بین بردن رقابت موجود در بازار به رقابت لطمه وارد نکند؛ این موضوع به ممانعت از رفتار ضد رقابتی و یا

16. Ecuador's Presidential Declaration on Access to Medicines and Compulsory Licensing 2010, <http://www.essentialaction.org/access>

17. David Cummins, "Colombian-Government Refuse Request to Issue Compulsory Licensing on Expensive HIV/AIDS Drug", 2009 <http://www.essentialaction.org/access/index.php?archives/183-Colombian-Government-Refuses-Request-to-Issue-Compulsory-License-on-Expensive-HIVAIDS-Drug>.

ایجاد انحصار تفسیر می‌شود. همچنین سوء استفاده‌هایی مانند امتناع از انجام معامله بدون هیچ توجیه منطقی را دربرمی‌گیرد؛ این مقررات معاهده جامعه مشترک، مجوزهای اجباری را اجازه می‌دهند.^{۱۸}

رویه قضایی در اروپا موارد استثنایی از به کارگیری مجوزهای اجباری را نشان می‌دهد و معمولاً محدود به مواردی می‌شود که شرکت با قدرت برتر، دستیابی به مالکیت فکری را از آن خود کرده است و یا آن را به گونه‌ای محدود نموده است که رقبا در آن محدوده بازاری توان رقابت با او را ندارند و رد مجوز منجر به سوء استفاده از قدرت برتر شود. در ادامه به چند پرونده مهم در اروپا اشاره می‌شود.^{۱۹}

۱- پرونده رقابت مایکروسافت در اروپا

در سپتامبر ۲۰۰۷ دادگاه مرحله بدوی لوکزامبورگ، تحت مقررات رقابت اروپا در خصوص مایکروسافت تصمیماتی را اتخاذ کرد. این پرونده در سال ۱۹۹۸ با شکایت شرکت سان میکروسیستم شروع شد و در مارس ۲۰۰۴ با رأی کمیسیون به اوج خود رسید. کمیسیون بررسی کرد چه زمانی شرکت پیشرو باید فناوری‌های جدید و یا توسعه فناوری‌های موجود را به دیگران اعطا کند. این رأی در آمریکا شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۴، کمیسیون اروپا اعلام کرد که وقتی مایکروسافت ویژگی پلی‌بک را در سیستم عامل ویندوز خود نصب کرد حقوق رقابت اروپا نقض شد - این پیشرفت به مشتریان مایکروسافت اجازه می‌داد که از انواع وسایل صوتی استفاده کنند - و حکمی علیه مایکروسافت صادر کرد که این شرکت باید محصولات خود را بدون فایل‌های صوتی و تصویری در اروپا به فروش برساند هرچند که محصولات رقیب مانند شرکت اپل، چنین خدماتی را ارائه می‌کرد.^{۲۰}

اگر چه کمیسیون نظر خود را این‌گونه مستدل کرد که مشتریان حق انتخاب بیشتری خواهند داشت ولی تقاضای قابل توجهی برای این نوع ویندوز در شرکت‌های تولید کننده و یا مشتریان وجود نداشت، از میلیون‌ها کپی ویندوز که در اروپا به فروش رفت تنها پنج درصد ناشی از محصولاتی بود که طبق نظر کمیسیون اصلاح شده بود. این حکم دیوان در

18. Manpreet Kaur, "Compulsory Licensing - Bridging The Chasm Between Competition Policy & Intellectual Property Law", www.legalserviceindia.com, 2008.

19. Karen Gibbons, "Zarghona Fazal Anti-competitive conduct could result in a compulsory license", <http://www.freehills.com.au/2078.aspx>, 2007.

20. Microsoft's Competition Case in Europe, http://www.microsoft.com/presspass/legal/european/EU_Compensation_Overview.msp, 2007.

حالی صادر شده بود که بر طبق حقوق رقابت حاکم بر اروپا حتی شرکت‌های پیشرو نیز می‌توانند در صورتی که به نفع مصرف‌کننده باشد محصولات با ویژگی‌های خاص با استفاده از محصولات قبلی ایجاد کنند و محصولات ایجاد شده توسط مایکروسافت چنین خصوصیتی داشت و شاهد این قضیه استفاده سایر تولیدکنندگان از این فناوری برای عملکرد بهتر سیستم عامل‌های شان بود.

مسئله بعدی که مورد توجه کمیسیون قرار گرفت این بود که آیا یک شرکت پیشرو یا با قدرت مسلط بازار باید ابداعات خود را در اختیار سایر رقبا قرار دهد تا آن‌ها خود به تولید محصول جدید بپردازند؟

کمیسیون حکمی صادر کرد که مایکروسافت به دلیل قصور از افشای بخش عمده فناوری ابداعاتی مربوط به سیستم عامل سرور، حقوق رقابت اروپا را نقض کرده است. کمیسیون در حالی به این نظر رسید که بسیاری از شرکت‌های قدرتمند آی‌تی تلاش سختی را انجام می‌دادند تا سرورهای بهتری را ارائه کنند.

کمیسیون، مایکروسافت را مجبور کرد تا در حد وسیعی، ابداعات و ویژگی‌های خاص محصول خود را شرح دهد و مجوز این فناوری‌ها را به متقاضیان ارائه کند که بسیاری از آن‌ها از طریق حقوق مالکیت فکری و اسرار تجاری تحت حمایت قرار داشتند. کمیسیون همچنین قلمروی مجوزهای اجباری را با این شروط افزایش داد:

- ۱- مایکروسافت باید فناوری خود را به خارج از اروپا نیز صادر کند.
- ۲- مایکروسافت باید بدون دریافت حق‌الامتیاز این خدمت را ارائه کند.
- ۳- مایکروسافت نمی‌تواند مجوزگیرنده را مجبور کند که از اسرار تجاری مایکروسافت در سورس‌کد خود استفاده نکند.

مخالفان نظر کمیسیون بیان داشته‌اند: جدا از اینکه مایکروسافت دارای قدرت مسلط در بازار عرضه سرور نبوده است، تصمیم کمیسیون با حقوق رقابت اروپا نیز هماهنگی نداشته است؛ در واقع کمیسیون ادعا می‌کند که می‌توان مجوز اجباری را نسبت به شرکت‌های مسلط وقتی که انگیزه‌های تولید نوآوری را افزایش می‌دهد تحمیل کرد در حالی که واقعیت این بود که هیچ قانونی در اروپا و یا جای دیگر چنین موضوعی را در بر نمی‌گیرد و به علاوه این تصمیم بسیاری از اهداف مثبتی که مالکیت فکری برای توسعه ابداعات در نظر داشت را از بین می‌برد.^{۲۱}

به علاوه، اگر چه کمیسیون اعطای مجوز اجباری را ضرورتی برای تعاون با سایر

شرکت‌ها اعلام کرد ولی اطلاعاتی که از مایکروسافت درخواست شد خیلی بیشتر از آن بود که این هدف را تأمین کند.

مخالفان معتقدند ضرورت تعاون آن است که تولید کنندگان مختلف بتوانند اطلاعات خود را با یکدیگر مبادله کنند درحالی که مجوز اجباری به دیگر تولیدکنندگان اجازه می‌داد که از محصول مایکروسافت تا حدی کپی کنند که از محصولات خود مایکروسافت نیز قابل شناسایی نباشند. چنین تصمیماتی انگیزه مایکروسافت را جهت تولید و یا ایجاد مکمل‌هایی برای محصول خود از بین می‌برد و این مسأله دقیقاً مخالف آن چیزی است که حقوق رقابت دنبال می‌کند.

در رأی کمیسیون، جریمه ۴۹۷ میلیون دلاری برای مایکروسافت صادر شده است، این سنگین‌ترین جریمه‌ای بوده است که بر رفتار ضد رقابتی تحمیل شده است و علاوه بر این نظریه‌های حقوقی که در تصمیم ۲۰۰۴ کمیسیون ذکر شده است در بسیاری از جنبه‌ها جدید می‌باشد و اینکه در آن هیچ دلیلی مبنی بر ضرر به مصرف‌کننده مشاهده نمی‌شود.^{۲۲}

۲- پرونده ولوو علیه اریک ونگ^{۲۳}

ولوو حق طراحی را در انگلیس کسب کرد که در ماشین اعمال می‌شد و ونگ این قطعه را از ایتالیا و دانمارک به انگلیس وارد کرد بدون اینکه اجازه ولوو را تحصیل کند در نتیجه ولوو نیز به دلیل نقض حقوق ثبت شده طرح خود اقامه دعوا نمود، ونگ ادعا نمود که امتناع از اعطای مجوز از طرف ولوو وقتی که ونگ حاضر بوده است حق الامتیاز عادلانه‌ای را پرداخت نماید، سوء استفاده از قدرت برتر به شمار می‌رود.

مسأله پیش روی دادگاه اروپایی این بود که آیا امتناع از اعطای مجوز، سوء استفاده از موقعیت برتر به شمار می‌رود؟ دادگاه اروپایی نظر داد تعهدی که بر مالک طرح‌های حمایت شده برای اعطای مجوز به شخص ثالث پیش‌بینی شده است حتی در شرایطی که حق الامتیازهای معقول در نظر گرفته شده است الزام به اعطای مجوز را در پی نخواهد داشت در غیراین صورت این عمل موجب می‌شود که مالک از حقوق مالکانه خود محروم شود و صرف امتناع از اعطای مجوز نیز نمی‌تواند رفتاری ناشی از سوء استفاده از قدرت برتر را تشکیل دهد.

همچنین طرح کلی برای شرایطی که تحت آن، امتناع از انجام معامله، سوء استفاده از قدرت را تشکیل می‌دهد ترسیم نمود. دادگاه اعلام کرد که اگر یک متعهد که دارای قدرت

22. *Ibid.*

23. *AB Volvo v. Erik Veng*

برتر در بازار است مرتکب یک عمل ضد رقابتی به شرح زیر شود سوء استفاده از قدرت برتر انجام داده است.

۱- امتناع خودخواهانه از اعطای مجوز برای محصولات یدکی که دیگر محصولات به آن وابسته هستند؛

۲- تثبیت قیمت برای محصولات وابسته به صورت غیر عادلانه؛

۳- خودداری از تولید محصولات برای تولید محصولی خاص با توجه به اینکه آن نوع محصولات وابسته هنوز در بازار وجود دارند.

اهمیت موارد ذکر شده در تعیین محدوده مجوزهای اجباری است، قابل ذکر است که صرف امتناع از اعطای مجوز، موجب صدور مجوزهای اجباری نیست، چنین امتناعی باید خودسرانه باشد به نحوی که موجب شود مجوزهای اجباری از شدت رفتارهای سوء استفاده‌گرایانه جلوگیری کنند.^{۲۴}

۳- پرونده مگیل^{۲۵}

در پرونده مگیل که در خصوص لیست تلویزیونی در ایرلند و ایرلند شمالی می‌باشد، یک روش باز و انعطاف‌پذیری مورد قبول قرار گرفت، مگیل شرکتی در شهر دوبلین و تدوین‌کننده راهنمای تلویزیون به صورت هفتگی بود. این شرکت، قصد داشت فهرست سه شرکت تلویزیونی در انگلیس و ایرلند را ترکیب کند، این لیست‌ها تحت حمایت حق مؤلف قرار داشتند بنابراین مگیل تقاضای مجوز کرد ولی این شرکت‌ها آن را نپذیرفتند، مگیل نیز در دفاع مسأله رقابت را مطرح کرد و کمیسیون ادعای مگیل را پذیرفت.^{۲۶} دادگاه اروپایی، تصمیم کمیسیون را برای اعطای مجوز اجباری به مگیل تأیید کرد و بیان کرد که حق مؤلف به تنهایی توجیه‌کننده امتناع از مجوز در موارد استثنایی و با شرایط زیر نیست:

۱- در شرایطی که متقاضی برای محصول جدید وجود دارد؛

۲- شرکت‌های تلویزیونی نیز یک انحصار بالفعل بر فهرست برنامه‌هایشان داشته‌اند؛

۳- ارائه فهرست، خدمتی ضروری برای راهنمای جامع تلویزیونی بود و خود شرکت‌های مالک نمی‌توانستند آن را به تنهایی به مصرف‌کنندگان عرضه کنند.^{۲۷}

24. Manpreet Kaur, *op. cit.*

25. Magill

26. Makan Delrahim, *op. cit.*

27. Manpreet Kaur, *op. cit.*

۴- پرونده ام اس هلث در برابر ان دی اس هلث^{۲۸}

پرونده جدیدتر مربوط به ای ام اس هلث در برابر ان دی اس هلث است. این دو شرکت هر دو اطلاعات دارویی را در آلمان جمع می‌کردند و آن را به مشتریان خود - شرکت‌های داروسازی که به وسیله این اطلاعات قادر بودند بازار را تحلیل کنند و فروش بهتری داشته باشند - عرضه می‌کردند.

ای ام اس در سال ۲۰۰۰ علیه شرکت ان دی اس با این ادعا اقامه دعوی نمود که روش ان دی هلث برای عرضه اطلاعات حق مالکیت ادبی و هنری این شرکت را که از سال ۱۸۶۰ به عنوان ساختار بریک^{۲۹} معروف شده نقض کرده است.

ان دی هلث این ادعا را رد کرد و این‌گونه دفاع کرد که ساختار بریک در حال حاضر یک استاندارد صنعتی است و مشتریان بدون این ساختار اطلاعات را خریداری نمی‌کنند و در چنین شرایطی ای ام اس هلث نباید با استفاده از حقوق مالکیت فکری خود مانع شود که ان دی هلث در بازار باقی‌نماند در غیراین صورت مرتکب تخلف مندرج در ماده ۸۲ معاهده اروپایی خواهد شد.

در سال ۲۰۰۱ کمیسیون اروپا، اظهارنامه اعتراض مبنی بر تقصیر عدم اعطای مجوز برای ارائه اطلاعات به ای ام اس فرستاد و علی‌رغم استدلال شرکت مذکور که این اطلاعات تحت حق مؤلف آلمان حمایت شده است این کار را نوعی سوء استفاده از قدرت تلقی نمود، اندکی بعد کمیسیون رویه میانه‌ای را اتخاذ کرد و ای ام هلث را ملزم می‌کرد به دو شخص از رقبای خود امتیازاتی را اعطا کند.

رای دادگاه عالی اروپا نشان می‌دهد که درحالی‌که امتناع دارنده حق مؤلف برای اعطای مجوز یک سوء استفاده از موقعیت برتر نیست چنین رد مجوزی اگر با معیارهای دیگری همراه شود می‌تواند سوء استفاده تلقی شود.

اگرچه دادگاه اروپایی به طور صریح اعلام نکرده است ولی رأی به طور ضمنی نشان می‌دهد که شرکت‌های قدرتمند می‌توانند به صورت کاملاً قانونی از اعطای مجوز به رقبای خود که در بازار مستقیم و اولیه کار می‌کنند امتناع نمایند، مانند دارنده حق مؤلف. چنین تصمیمی مغایر تصمیم موقتی بود که کمیسیون اتخاذ کرده بود و وضعیت حقوق اروپا را به حقوق جاری امریکا نزدیک‌تر می‌کند.

در پرونده دیگری که در کشور نروژ مطرح شد، مقامات رقابتی نروژ درخواست شرکت دارویی فارماک را برای صدور مجوزهای اجباری رد کردند. این شرکت مجوزی

28. IMS Health v. NDC Health

29. Brick structure

در خصوص حق اختراع ثبت شده اینتروت ایترنشنال بی وی (دارویی برای لوزالمعده)^{۳۰}، درخواست کرد.

علی‌رغم ماده ۴۷ قانون حق اختراع نروژ که به مقامات رقابتی اجازه می‌دهد از مجوزهای اجباری در زمانی که منافع ملی مطرح می‌شود استفاده کنند ولی در این پرونده چنین مجوزی صادر نشد. در استدلال فارماک آمده بود که ایشان واکسنی به مراتب بهتر از اینتروت ساخته‌اند و به علاوه این شرکت قادر نیست که تقاضاهای بازار را برآورده سازد. بر اساس یک بررسی کلی مراجع رقابتی نتیجه گرفتند که شرایط برای اعطای مجوزهای اجباری در این پرونده محقق نشده است، و اظهارات فارماک را در خصوص تفاوت در کیفیت و عدم توانایی این شرکت برای برآورده ساختن تقاضاهای بازار نپذیرفت، و اعلام نمودند که صدور مجوز اجباری دخالت در حقوق دارندگان مالکیت فکری است و باید دقیق صورت گیرد^{۳۱}.

در ایتالیا شرکت داروسازی مرک^{۳۲} مجبور شد مجوزی را در اختیار رقبای خود قرار دهد. نکته جالب توجه در این پرونده عبارت بود از اینکه شرایط معمول برای اعطای مجوز اجباری مورد توجه مقامات رقابتی قرار نگرفت بلکه استفاده از نظریه تسهیلات اساسی محور رأی بود.^{۳۳}

پرونده‌های بالا نشان می‌دهد که در اروپا همانند آمریکا نظریه تسهیلات اساسی، باعث مجرای برای مجوزهای اجباری شده است.^{۳۴}

ب) ایالات متحد آمریکا

بر اساس کنوانسیون پاریس هر یک از کشورها می‌توانند قوانینی را تصویب کنند تا از سوءاستفاده صاحبان حقوق مالکیت فکری خودداری شود. ایالات متحد آمریکا از ۱۷۳ کشوری است که این معاهده را تصویب کرده است و برای دولت‌ها حق مجوز اجباری را به رسمیت شناخته است.

مجوزهای اجباری در خود آمریکا از ابزارهای جبرانی در پرونده‌های رفتارهای ضد رقابتی هستند. این مجوزها قدرت بالقوه جبرانی در تمامی حالت‌های ضد رقابتی، از حالت ادغام گرفته تا خودداری از معامله برخوردارند و در موارد مختلفی مانند رادیوی ملی،

30. Intervet International BV

31. Rejects request for a compulsory license, <http://www.konkurransetsilsynet.no/en/news/archive/Rejects-request-for-a-compulsory-licence/> (norvej, Last published: 2009)

32. Merc

33. Rita Coco and Paolisa Nebbia, "Compulsory licensing and interim measures in Merck a case for Italy or for antitrust law?", <http://jiplp.oxfordjournals.org>. Published by Oxford University, 2007

34. Makan Delrahim, *op. cit.*

زیست فناوری و یا در ارتش خود از ماهواره‌ها و وسایلی که در شب باعث دید چشم می‌شوند استفاده کرده است.

بر طبق قانون هوای پاک، دولت امریکا می‌تواند از مجوزهای اجباری مربوط به این فناوری‌ها استفاده کند، در زمینه هسته‌ای نیز مجوز اجباری رایج است، این مجوزها عموماً به دلیل منافع عمومی و یا تأمین امنیت عمومی صادر می‌شوند.

مجوز اجباری در موارد ادغامی طریق جبرانی مناسبی است و بحثی در آن نیست ولی در موارد غیرادغامی چه از سوی دادگاه‌ها و چه از سوی دولت‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است.^{۳۵}

لازم به ذکر است که مجوزدهی در امریکا از دستورالعمل ضد رقابتی در خصوص مجوزهای بهره‌برداری حقوق مالکیت فکری تبعیت می‌کند که مقرر می‌دارد:

مجریان رقابتی در ایالات متحد امریکا تلاش می‌کنند که همان اصول ضد رقابتی معمول را که در خصوص اموال ملموس و غیرملموس لحاظ می‌شود در زمینه مالکیت فکری نیز اجرا کنند، این بیانیه مقدمه مناسبی برای بحث در خصوص مجوزهای اجباری در زمینه ادغام‌هاست. از مفاد این دستورالعمل استفاده می‌شود که مجریان رقابتی می‌توانند مانع بهره‌مندی از اموال مالکیت فکری شوند به همان نحو که می‌توانند مانع بهره‌مندی از یکسری اموال مادی در ادغام‌ها شوند.

در زمانی که ادغامی سبب کاهش رقابت می‌شود مجوز اجباری مطلوب‌تر از این است که صاحب مالکیت فکری به طور کلی از مال خود محروم شود این موضوع می‌تواند توجیه مناسبی برای استفاده از این مجوزها ارائه کند.

در دادگاه‌ها نیز از رأی دادگاه عالی در پرونده *بسر*^{۳۶} تا رأی دادگاه ایالتی در پرونده *مایکروسافت* که پنجاه سال بعد صادر شد دادگاه‌ها، مجوزهای اجباری را طریق جبرانی مناسبی برای رفتارهای ضد رقابتی یافتند. اما صاحب‌نظران در این کشور معتقدند که مجوزهای مذکور در عین حال می‌توانند مضر به حال ابداعات باشند. بنابراین باید نوعی از مجوز اجباری را پیشنهاد کرد که کمترین هزینه را بر ابداعات و رقابت آینده تحمیل می‌کند.

انتخاب میان دو سیاست به ظاهر متناقض مالکیت فکری و رقابت دادگاه‌ها را به چالش کشیده است. در اوایل قرن بیستم دادگاه‌ها حق مالکیت فکری را انتخاب می‌کردند و مجوزهای اجباری ناشناخته بودند. ولی به تدریج، تفکرات حقوقی تغییر کرد به طوری که

35. *Ibid.*

36. Besser

در دهه ۱۹۵۰ دادگاه‌ها حقوق رقابت را انتخاب کردند. در ادامه نگاهی به پرونده‌های مهم در امریکا می‌شود تا رفتار این کشور مورد بررسی قرار گیرد.^{۳۷}

نقطه سرآغاز، پرونده تولیدی بسر بود که کارتل واقعی و سد سخت ناشی از آن شکسته شد، دادگاه عالی در مجوز اجباری حق مالکیت فکری چنین اعلام نظر کرد: من معتقدم در هنگامی که حق اختراع مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد طریق جبرانی مناسب اقدامات رقابتی است و این موضوع، نیاز به برجسته‌سازی مؤثر دارد.

در سال ۱۹۵۳ نیز مشهورترین پرونده مجوز اجباری مطرح شد. در این پرونده دادگاه ایالتی یکی از بارزترین کارتل‌ها را شکست و جنرال موتورز را مجبور کرد که به رقبای خود مجوز بهره‌برداری بدهد که اثر آن از بین رفتن ارزش حق اختراع جنرال موتورز بوده است.

دادگاه عالی در سال ۱۹۷۳ در پرونده گلاسکو-گروپ^{۳۸}، مجوز اجباری را تأیید کرد ولی دوباره چرخش به سمت دیگر صورت گرفت، چندی طول نکشید که در سال ۱۹۸۰ در پرونده داوسون، دادگاه عالی مجوز اجباری را مورد انتقاد قرار داد و چنین استدلال کرد که مجوز اجباری در حقوق ما استثناء است. و اعلام کرد که مجوز اجباری موضوعی است که معمولاً درخواست می‌شود ولی نباید در بعد وسیع مورد استفاده قرار بگیرد.

دادگاه استیناف عالی از سال ۱۹۸۰ در خصوص مجوز اجباری و رقابت سکوت اختیار کرده است. بعد از یک قرن حقوق رقابت در امریکا، تنها یک تصمیم در مرحله استیناف در این خصوص وجود دارد. که به پرونده کوداک^{۳۹} معروف است. که در این پرونده به طور قابل ملاحظه‌ای از نظریه رد معامله به طور یکجانبه استفاده شده است.

دادگاه‌ها اغلب با پرونده‌هایی در خصوص حق مؤلف و مجوز اجباری روبه‌رو می‌شوند. اما اغلب این پرونده‌ها ربطی به پرونده‌های ضد رقابت ندارند، البته استثنایی که وجود دارد شکایت ایالات متحد از مایکروسافت است، این مجوز از آنجا قابل توجه است که در آن رضایت وجود ندارد، در پی یک اقامه دعوا، دادگاه مایکروسافت را مجبور به اعطای مجوز کرد، هرچند دادگاه استیناف نظری در این خصوص نداده است ولی دادگاه بخش هنوز اصرار دارد که مجوز اجباری درمانی برای مشکل موارد ضد رقابتی است.

در نظر دادگاه بخش، طریقه جبرانی مذکور رابطه نزدیکی با تئوری مسؤلیت دارد و تلاش مضاعفی برای این تضمین خواهد بود که هیچ رویه انحصارطلبانه‌ای در آینده وجود

37. *Ibid.*

38. Glaxo Group Ltd

39. Kodak

نخواهد داشت و این مقررات تحت شمول حفظ منافع عمومی قرار می‌گیرند. بنابراین آنچه که ما در امریکا می‌بینیم رویه‌های متناقض و مختلفی است.^{۴۰} نکته قابل توجه در دکتترین امریکا انتقادات شدید مفسران امریکایی در خصوص تصمیمات مقامات اروپایی می‌باشد. بسیاری از آنان با روش پذیرفته شده در پرونده مگیل و تصمیم کمیسیون اروپا در خصوص هلث مخالف‌اند.

دعوی مفسران - که کمتر صریحاً اعلام شده است - این نکته می‌باشد: مجوزهای اجباری در مرحله جبران مطرح نمی‌باشد بلکه نزاع بر سر مسأله مسؤولیت است - که در آن اصل و نظریه شناخته شده‌ای در ایالات متحد امریکا به نام رد یکجانبه معامله حاکم است - و معتقدند این نظریه برای نقض رقابت اگر غیرممکن نباشد، بعید است.

مجوز اجباری در امریکا وجود دارد ولی کاملاً از مسؤولیت ناشی از رقابت جداست و این مسأله باعث شکاف عمده‌ای میان روش امریکا و اروپا می‌شود. مفسران امریکایی، مشکل دیگری نیز با پرونده مگیل و ای ام هلث دارند و معتقدند در هر دو پرونده حق مالکیت فکری ضعیفی وجود داشت و مسأله کمتر به رقابت مربوط بود.

در امریکا بهترین روش برای کسب مالکیت فکری استفاده از خود این قوانین است تا اینکه از ابزارهای نامؤثری مانند رقابت استفاده شود. یکی از محققان امریکایی معتقد است که تصمیم کمیسیون و دادگاه اروپا به دلیل نبود یک قانون هماهنگ در زمینه مالکیت فکری بوده است. رویه کمیسیون ممکن است منجر به رویه قضایی نامشخصی در خصوص هر دو قانون رقابت و مالکیت فکری شود و وقتی نااطمینانی افزایش یابد سطح ابداعات نیز به همان نسبت پایین می‌آید و این موضوع دقیقاً مخالف آن چیزی است که حقوق رقابت در بلندمدت دنبال می‌کند.

ایشان اضافه می‌کند: «آنچه که ما در هر دو نظام چه اروپا و چه امریکا مورد توجه قرار نداده‌ایم این است که همواره سعی کرده‌ایم از قانون همه یا هیچ استفاده کنیم و در اکثر آراء به نظر می‌رسد که از این قانون تبعیت شده است و این نتایج ناشی از تفکر غلطی است که وجود دارد که یا باید قانون مالکیت فکری پیروز شود و یا حقوق رقابت، و نمی‌توان هر دو را برنده محسوب داشت؛ نظری که شعبه رقابت و من ارائه می‌کنیم این است که هیچ تعارضی وجود ندارد حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری یک هدف را دنبال می‌کنند که آن توسعه ابداعات و رقابت است و باید هم در مرحله مسؤولیت و هم جبران، این مسأله مورد توجه قرار گیرد.»^{۴۱}

40. *Ibid.*

41. David W. Hull, James R. Atwood and James B. Perrine, Covington & Burling, "Compulsory

واقعیت آن است که در حقوق امریکا و اروپا اصل مجوزهای اجباری اجرا می‌شود تا اینکه اثر رفتارهای ضد رقابتی را جبران کند اما این رویه بر پیش‌نیازهایی مانند رقابت در بازارهای تبعی و نظریه تسهیلات اساسی برتری نمی‌یابد. با این وجود رویه مذکور به طور محتاطانه و در یک قلمروی محدود اعمال می‌شود. تا اینکه یک تعادل ظریف و مؤثر بین ابداعات و رقابت را تضمین کند.

جالب توجه است که در رویه قضایی امریکا فرض شده است که وجود حق اختراع که همراه آن قدرت بازاری وجود دارد می‌تواند موجب اعطای مجوز اجباری شود ولی این دیدگاه به تدریج در حال از بین رفتن است. به نحوی که در نظر اخیر دادگاه در پی استدلال مایکروسافت این امر اثبات می‌شود.

مایکروسافت استدلال کرده است که رویه اعطای مجوزش تنها نشان دهنده حقوق مالکیت ادبی و هنری است که این شرکت از دولت فدرال دریافت داشته است و هیچ نقض حقوق ضد انحصاری صورت نگرفته است. دادگاه نیز چنین حکم داد:

شرکت مدعی یک حق مطلق و غیرمحصور برای استفاده از حقوق مالکیت فکری خود است به نحوی که اعلام داشته است حقوق مالکیت فکری از طریق قانونی حاصل شده است به این معنا که اجرای متعاقب آن نمی‌تواند مسئولیت ضد انحصاری را مطرح کند. دیگر صحیح نیست که فرض استفاده از حقوق شخصی فرد بتواند برای او ایجاد مسئولیت مدنی نماید و حقوق انحصاری اعطا شده به وسیله حقوق مالکیت فکری و همچنین بهره‌برداری از انحصار ناشی از آن غیررقابتی نیست.^{۴۲}

نگاهی به تصمیمات و احکام دادگاه‌های اروپایی و امریکایی نشان می‌دهد علی‌رغم آنچه که در خصوص حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری گفته می‌شود و آن‌ها را به عنوان مکمل‌های یکدیگر و دارای اهداف مشترک در رشد ابداعات و رفاه مصرف‌کنندگان تلقی می‌کنند هنوز ناهماهنگی‌هایی وجود دارد و با همه سعی و تلاشی که برای هماهنگی و مکمل بودن این دو حقوق به ویژه در کشورهای اروپایی و امریکایی می‌شود، اختلاف‌ها و مشکلات و بحث‌های زیادی در خصوص نحوه همکاری میان این دو وجود دارد.^{۴۳}

علت این اختلاف‌ها می‌تواند بیشتر ناشی از تفاوت در مفهوم فرایند رقابت و ضرر به آن فرایند باشد. تفکر حقوق رقابت ایالات متحد امریکا تفاوت زیادی با حقوق رقابت سایر کشورها در مسائل اساسی دارد. مدل کارکرد کوتاه مدت که هم اکنون در امریکا مورد

licensing", *The European Antitrust Review A Global Competition Review special report*, <http://www.ftc.gov/opp/intellect/020522hu.pdf>, 2002.

42. C. Gastle & Murdoch Martyn, *op. cit.*

43. Hull, Atwood and Perrine, Covington & Burling, "Compulsory licensing", 2002.

استفاده قرار می‌گیرد بر اساس ارزش‌ها و مفاهیمی عمل می‌کند که از آنچه در ژاپن و اروپا حاکم است متفاوت است، جایی که تحلیل‌ها در چارچوب زمانی طولانی‌تر انجام می‌گیرد و ارزش‌های دیگر، نقش مهمی در حقوق رقابت این کشورها بازی می‌کنند.^{۴۴}

نتیجه‌گیری

مجوزهای اجباری قراردادهایی غیرارادی بین خریدار راضی و فروشنده ناراضی هستند، این مجوزها ابزار قانونی فوق‌العاده‌ای هستند که از طریق آن دولت‌ها، محصولاتی را که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری هستند بدون اینکه رضایت مالکانشان ضروری باشد مورد استفاده و یا فروش قرار می‌دهند. چنین مجوزهای اجباری و تحمیلی ممکن است با وجود احترام و پذیرش برای حقوق مالکیت فکری حتی در کشورهایی که به سختی طرفدار حقوق مالکیت فکری هستند، صادر شوند.

این مجوزها در موقعیت‌های مختلفی ممکن است صادر شوند. در حق اختراع، مجوزهای اجباری ممکن است به عنوان تضمینی علیه عدم استفاده و یا سوء استفاده دارنده حق اختراع صادر شود و گاهی در زمان اعمال رفتارهای ضد رقابتی مطرح می‌شوند.

در صدور مجوزهای اجباری باید بررسی‌های دقیق اجتماعی و اقتصادی صورت گیرد. دلایل سیاست‌گذارانه مهمی وجود دارد که دقت در اعطای مجوزهای اجباری را می‌طلبد. از مهم‌ترین این دلایل این است که عدم دقت در این زمینه می‌تواند منجر به از بین رفتن انگیزه کافی در جهت خلق نوآوری‌ها و ابداعات شود. به عنوان نمونه به چند کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته اشاره می‌شود.

روند توسعه اقتصادی چین و استراتژی ملی سمت‌وسوی کشوری ابداع‌محور را نشان می‌دهد. سهم حق اختراع‌های اعطا شده به ابداعات افراد غیرمقیم چین در آینده کاهش خواهد یافت به همین دلیل چین باید رویه خود را از اعطای مجوزهای اجباری به نفع تقویت حقوق مالکیت فکری تغییر دهد. علاوه بر اینکه در غیر این صورت جذابیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی خود را نیز از دست خواهد داد.

تایلند و هند و برزیل نیز به نحو وسیعی از مجوزهای اجباری استفاده کرده‌اند.

مقامات تایلند معتقدند که مجوزهای اجباری در تایلند سیستم جهانی حق اختراع محصولات دارویی را تهدید نمی‌کند. نظرات مختلفی در خصوص رفتار این کشورها وجود دارد برخی این رفتارها را نکوهش کرده‌اند و آن را سبب از بین رفتن محصولات

44. David J. Gerbwr, "Global Technological Integration, Intellectual Property Rights and Competition Law some introductory comments", www.heinonline.com, www.google.com, 2002.

دارویی ابداعی تلقی می‌کنند و برخی دیگر به دلیل ضرورت‌های بهداشتی تایلد آن را بشردوستانه و ناشی از حق حیات مردم می‌شمارند.

صدور مجوزهای اجباری در کشورهای توسعه‌یافته نیز به علت مسائل رقابتی در دادگاه‌های امریکایی و اروپایی مجاز شناخته شده است ولی این موارد به صورت استثنایی به کار می‌رود و معمولاً از تحلیل قدرت بازاری استفاده می‌شود.

مقامات رقابتی در اروپا بر دارندگان حقوق مالکیت فکری نظارت می‌کنند تا نسبت به مبدعانی که در بازار محصول حمایت شده تحت حقوق مالکیت فکری فعالیت می‌کنند به ویژه در خصوص رد معامله و رد مجوز اجحافی صورت نگیرد. رویه قضایی در اروپا، مواردی استثنایی از به کارگیری مجوزهای اجباری را نشان می‌دهد و معمولاً محدود به مواردی می‌شود که شرکت با قدرت برتر، دستیابی به مالکیت فکری را از آن خود کرده است و یا آن را به گونه‌ای محدود نموده است که رقبا در آن محدوده بازاری توان رقابت با او را ندارند و یا رد مجوز منجر به سوء استفاده از قدرت برتر شود.

در امریکا نیز از رأی دادگاه عالی در پرونده بسر تا رأی دادگاه ایالتی در پرونده مایکروسافت که پنجاه سال بعد صادر شد؛ دادگاه‌ها، مجوزهای اجباری را طریق جبرانی مناسبی برای رفتارهای ضد رقابتی یافتند. اما صاحب نظران در این کشور معتقدند که مجوزهای مذکور در عین حال می‌توانند مضر به حال ابداعات باشند. بنابراین باید مجوز اجباری را به گونه‌ای اعمال کرد که کمترین هزینه را بر ابداعات و رقابت آینده تحمیل می‌کند. در سال ۱۹۸۰ در پرونده داوسون، دادگاه عالی امریکا مجوز اجباری را مورد انتقاد قرار داد و چنین استدلال کرد که مجوز اجباری در حقوق آن کشور استثناء است و اعلام داشت که هرچند مجوز اجباری موضوعی است که معمولاً درخواست می‌شود ولی نباید در بعد وسیع اعمال شود.

آنچه که با نگاه عمیق‌تر به رویه کشورها به دست می‌آید کشورهایی که توسعه‌یافته‌تر اند بسیار محتاطانه با اعمال مجوز اجباری برخورد می‌کنند و سعی می‌کنند انگیزه‌های ایجاد خلاقیت و نوآوری را با اعطای مجوزهای اجباری گسترده از بین نبرند ولی کشورهای در حال توسعه آن را به عنوان فرصتی برای فرار از مقررات مالکیت فکری و استفاده هر چه بیشتر از نوآوری‌های دیگران در خدمت به اهداف و منافع خود به کار می‌گیرند.

فهرست منابع

1. Gastle, C. & Murdoch Martyn, "TRIPS, Doha, and the Role of Competition Law in Compulsory Licensing (trips)", Lecture VII, October 27th, 2009 http://dtn.go.th/vtl_upload_file/1265792528859/Lecture/CompulsoryLicensing.
2. Cummins Colombian, David, "Government Refuse Request to Issue Compulsory Licensing on Expensive HIV/AIDS Drug", <http://www.essentialaction.org/access/index.php?/archives/183-Colombian-Government-Refuses-Request-to-Issue-Compulsory-License-on-Expensive-HIVAIDS-Drug>, 2009.
3. Gerbwr, David J., "Global Technological Integration, Intellectual Property Rights and Competition Law some introductory comments", www.Heinonline.com, www.google.com, 2002.
4. Hull, David W., James R. Atwood and James B. Perrine, Covington & Burling, "Compulsory licensing", *The European Antitrust Review A Global Competition Review* 36 w special report, <http://www.ftc.gov/opp/intellect/020522hu.pdf>, 2002.
5. Ecuador's Presidential Declaration on Access to Medicines and Compulsory Licensing, <http://www.essentialaction.org/access>, 2010.
6. IMS HEALTH: Compulsory Licensing and Competition Law, http://pharmalicensing.com/public/articles/view/1067456033_3fa016219838, 2010.
7. Gibbons, Karen, Zarghona Fazal, "Anti-competitive conduct could result in a compulsory license", <http://www.freehills.com.au/2078.aspx>, 2007.
8. "Rejects request for a compulsory license", <http://www.konkurransetilsynet.no/en/news/archive/Rejects-request-for-a-compulsory-licence/norvej>, Last published: 2009.
9. Hunter, Richard J., Hector R. Lozada, Frank Giarratano, Daniel Jenkins, "Compulsory Licensing: A Major IP Issue", *International European Journal of Social Sciences*, Volume 11, 2009.
10. Coco, Rita, and Paolisa Nebbia, "Compulsory licensing and interim measures in Merck a case for Italy or for antitrust law?", <http://jiplp.oxfordjournals.org>. Published by Oxford University, 2007.
11. Delrahim, Makan, "Forcing Firms to Share the Sandbox: Compulsory Licensing of Intellectual Property Rights and Antitrust Presented at the British Institute of International and Comparative Law London, England" <http://www.justice.gov/atr/public/speeches/203627.htm>, 2004.
12. ManpreetKaur Compulsory Licensing - Bridging The Chasm Between Competition Policy & Intellectual Property Law, [Legal Service India.com](http://LegalServiceIndia.com), 2008.
13. Microsoft's Competition Case in Europe, http://www.microsoft.com/presspass/legal/european/EU_Competition_Overview.msp, 2007.
14. World Intellectual property Organization Implication of the trips agreement on treaties administered by wipo, WIPO Publication No. 464(E), 1997.
15. Zhang, Xinzhu, "China's Approach to Compulsory Licensing of Intellectual Property under Its Anti-Monopoly Law", Jiangxi University of Finance and Economics, Research Centre for Regulation and Competition Chinese Academy of Social Sciences, <http://cygz.jxufe.cn/edit/UploadFile/20099314228253.ppt> (chin, Singapore,) 2009.

ABSTRACTS

Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries

Mahmood Bagheri (Ph.D.) & Simin Abbasi

Compulsory licensing is one of cooperation ways between intellectual property law and competition law. A compulsory license is a permission from a public authority to exploit an invention without the consent of the patent holder. The licensing usually uses in all legal system to restraint intellectual property owner from abuse. Fundamental difference between legal systems is spread compulsory licensing for health and commercial purposes but developed countries use the licensing with limited usage and with special circumstances. In fact, each of them decides according to their economy and interests.

Keywords: Compulsory License, Intellectual Property, Developing Countries, Public Health, Pharmaceutical Compaies



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study